

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تحصیلات تکمیلی

پردیس خودگردان

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

رشته:

زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**بررسی تطبیقی جایگاه زن در داستان‌های جلال آل احمد و سیمین
دانشور**

استاد راهنما:

دکتر محمد مجوزی

استاد مشاور:

دکتر حیدرعلی دهمرده

نگارنده:

مرضیه رخشانی

اسفند ۹۲

(ویر کیم وی علمم الکتاب و الحکم)

پاس خدای را که سخوران، دستودن او بماند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و مدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز... بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او، بازبان قاصود دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، پاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تا این می کند و سلامت امانت های را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یسکر المنعم من المخلوقین لم یسکر الله عزوجل":

از پدر و مادر عزیزم این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عنقوشیده و کرمیانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاور بی چشم داشت برای من بوده اند؛

از استاد باکالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر محمد مجوزی که در کمال سه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از پیچ مکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهبانی این رساله را بر عهده گرفتند؛

از استاد صبور و باتقوا؛ جناب آقای دکتر حیدر علی دهمرده، مدیریت محترم کرسی گروه، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی منتقل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛

تقدیم با:

تقدیم بابوسه بردستان پدرم:

به او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی سخاوت، سکوت، مهربانی و.....

پدرم راه تمام زندگیست

پدرم دینخوشی همسنگیست

تقدیم به مادر عزیزتر از جانم:

مادم، هستی من ز، هستی تو ست تا، هستم و، هستی دارم دست دوست

نگسار جاودانی مادر است

چشم سار مهربانی مادر است

چکیده:

این پژوهش به بررسی تطبیقی شخصیت و جایگاه زن در داستان‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد اختصاص یافته است. این پژوهش به شیوه‌ی کتابخانه‌ای - اسنادی است و اطلاعات مورد نیاز از راه فیش‌برداری فراهم آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیلی - مقایسه‌ای استفاده شده است. در بخش نخستین، مبانی و شاخصه‌های شخصیت‌پردازی در داستان مورد بحث قرار خواهد گرفت. بخش بعدی به زندگی دو نویسنده و بررسی داستان‌های آن‌ها اختصاص می‌یابد. سپس به مهم‌ترین شخصیت‌های زن در داستان‌های آل‌احمد و دانشور و شاخصه‌های آن‌ها می‌پردازیم. سپس به روش بررسی تطبیقی، به مقایسه‌ی زنان داستان‌های آل‌احمد و دانشور پرداخته، مهم‌ترین وجوه اشتراک و افتراق این شخصیت‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. با جمع‌بندی مباحث و نتیجه‌گیری، فهرستی از مهم‌ترین وجوه اشتراک و اختلاف شخصیت‌های زن در داستان‌های دو نویسنده ارائه خواهد شد و بخش پایانی به فهرست کامل منابع و مآخذ پژوهش اختصاص می‌یابد.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که شخصیت‌پردازی زنان در داستان‌های آل‌احمد، غالباً با بهره‌گیری از عنصر روایت و بیان سرگذشت آنها صورت پذیرفته است. اما در داستان‌های دانشور این مهم بیشتر به توصیف وضعیت و موقعیت زن وابسته است. نگرش سیمین دانشور و جلال آل‌احمد نسبت به زن، به واسطه‌ی تفاوت جنسیت و اندیشه‌های دو نویسنده، در عین شباهت، تفاوت‌های بسیاری دارند، در داستان‌های آل‌احمد، موقعیت و وضعیت زن بیشتر در نظام خانواده و جامعه‌ی سنتی بیان می‌شود و در داستان‌های دانشور، با بازتاب مشارکت اجتماعی زن در جامعه‌ی مدرن روبرو هستیم.

کلید واژه‌ها: جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، بررسی مقایسه‌ای، ادبیات داستانی، شخصیت و جایگاه زن.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱. مقدمه
۳	۲-۲. بیان مسئله
۴	۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق
۶	۱-۴. اهداف تحقیق
۶	۱-۵. فرضیه‌ها
۶	۱-۶. چه کاردهایی از انجام این تحقیق متصور است
۶	۱-۷. استفاده‌کنندگان از نتیجه پایان‌نامه
۶	۱-۸. روش انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات
۷	۱-۹. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

فصل دوم: کلیات و تعاریف

۹	۲-۱. تعریف شخصیت
۱۰	۲-۲. شخصیت در ادبیات داستانی
۱۰	۲-۳. جایگاه و اهمیت شخصیت در ادبیات داستانی
۱۱	۲-۴. انواع شخصیت
۱۱	۲-۵. شخصیت‌های قالبی
۱۲	۲-۶. شخصیت‌های قراردادی
۱۲	۲-۷. شخصیت‌های نوعی
۱۳	۲-۸. شخصیت‌های تمثیلی

۱۳	۲-۹. شخصیت های نمادین
۱۳	۲-۱۰. شخصیت های همه جانبه
۱۴	۲-۱۱. شخصیت اصلی
۱۴	۲-۱۲. شخصیت فرعی
۱۵	۲-۱۳. شخصیت پس زمینه
۱۵	۲-۱۴. شخصیت ساده
۱۶	۲-۱۵. شخصیت جامع
۱۶	۲-۱۶. شخصیت پویا و ایستا
۱۸	۲-۱۷. شخصیت پردازی در داستان
۱۸	۲-۱۸. شیوه های شخصیت پردازی
۱۹	۲-۱۹. شیوه ی شخصیت پردازی مستقیم
۲۰	۲-۲۰. شیوه ی شخصیت پردازی غیر مستقیم
۲۱	الف) شخصیت پردازی از طریق رفتار(اعمال)
۲۱	ب) شخصیت پردازی از طریق گفتگو
۲۲	ج) شخصیت پردازی از طریق نام افراد
۲۲	د) شخصیت پردازی از طریق قیافه ظاهری

فصل سوم: بررسی سیمای زن در آثار جلال آل احمد

۲۵	۳-۱. زندگی نامه ی جلال آل احمد
۳۱	۳-۲. آراء و اندیشه ی جلال آل احمد
۳۶	۳-۳. آثار جلال آل احمد
۳۷	۳-۴. مهم ترین زنان داستان های آل احمد
۴۰	۳-۵. زنان سنتی

۴۱	۳-۶. زنان غربزده
۴۴	۳-۷. زن در نقش مادر
۴۷	۳-۸. زنان مذهبی و متدین
۴۸	۳-۹. زنان مظلوم
۴۹	۳-۱۰. زنان سالخورده
۵۱	۳-۱۱. زنان مرفه و بی درد
۵۲	۳-۱۲. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زنان داستان‌های آل‌احمد
۵۳	۳-۱۳. رقابت زنان بر سر تصاحب مرد و سر پناه
۵۳	۳-۱۴. مشارکت اجتماعی زنان
۵۴	۳-۱۵. دنیای خاص زنان
۵۶	۳-۱۶. باور زنان به تقدیر و رضایت در برابر سرنوشت
۵۷	۳-۱۷. عقاید سنتی و باورهای خرافی زنان
۵۹	۳-۱۸. فقر و محرومیت زنان
۶۰	۳-۱۹. فضای مرد سالارانه‌ی جهان زنان
۶۱	۳-۲۰. بی‌سوادی زنان
۶۲	۳-۲۱. نقص قوانین برای حمایت از زنان
۶۴	۳-۲۲. شاخصه‌های زبانی زنان داستان‌های آل‌احمد
۶۵	۳-۲۳. جایگاه متزلزل زن در جامعه
۶۷	۳-۲۴. زنانی با شخصیت‌های ستا
۶۷	۳-۲۵. شخصیت‌پردازی زنان داستان‌های آل‌احمد

فصل چهارم: بررسی سیمای زن در آثار سیمین دانشور

۷۱	۴-۱. زندگی‌نامه‌ی سیمین دانشور
----	-------	--------------------------------

- ۲-۴. آثار سیمین دانشور ۷۶
- ۳-۴. بررسی آثار داستانی سیمین دانشور ۷۷
- ۴-۴. آتش خاموش ۷۷
- ۵-۴. شهری چون بهشت ۷۸
- ۶-۴. سووشون ۷۸
- ۷-۴. جزیره سرگردانی ۸۰
- ۸-۴. ساریبان سرگردان ۸۱
- ۹-۴. جایگاه و موقعیت زنان در آثار سیمین دانشور ۸۱
- ۱۰-۴. مهم‌ترین شخصیت‌های زن در آثار دانشور ۸۳
- ۱۱-۴. زری در رمان سووشون ۸۴
- ۱۲-۴. زنان جزیره سرگردانی و ساریبان سرگردان ۸۶
- ۱۳-۴. شخصیت هستی ۸۸
- ۱۴-۴. شخصیت عشرت، مادر هستی ۸۹
- ۱۵-۴. شخصیت خانم نوریان، مادر بزرگ هستی ۸۹
- ۱۶-۴. زنان خدمتکار ۹۰
- ۱۷-۴. خدمتکاران زن روستایی در خانه‌های اعیان شهری ۹۲
- ۱۸-۴. زنان مدافع حقوق زن ۹۳
- ۱۹-۴. مادران داستان‌های دانشور ۹۴
- ۲۲-۴. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های زنان داستان‌های دانشور ۹۸
- ۲۳-۴. خاله‌زنک بازی‌های زنان ۹۸

۹۹	۲۴- نگاه ابزاری مردان به زن
۱۰۱	۲۵- مبارزه‌ی زنان با قوانین و مناسبات مردسالارانه
۱۰۲	۲۶- استقلال اقتصادی زن
۱۰۴	۲۷- تقابل با سنت‌ها و باوری زن ستیز اجتماعی و خانوادگی
۱۰۶	۲۸- عدم امنیت جنسی خدمتکاران
۱۰۷	۲۹- وضعیت شغلی و اقتصادی زنان
۱۱۰	۳۰- شخصیت‌پردازی زنان داستان‌های دانشور
فصل پنجم: بررسی مقایسه‌ای شخصیت و جایگاه زنان در داستان‌های آل‌احمد و دانشور		
۱۱۵	۵-۱- اشتراکات و اختلافات شخصیت و منزلت زن در داستان‌های آل‌احمد و دانشور
۱۱۵	الف- تفاوت‌های زنان داستان‌های آل‌احمد و دانشور
۱۱۵	۵-۳- شخصیت‌پردازی روایی و توصیفی
۱۱۶	۵-۴- مطلق‌انگاری آل‌احمد در شخصیت‌پردازی
۱۱۷	۵-۵- نسبی‌نگری دانشور در شخصیت‌پردازی
۱۱۸	۵-۶- تقابل سنت و تجدد در شخصیت‌پردازی زنان
۱۱۹	۵-۷- میزان تحصیلات زنان
۱۲۰	۵-۸- پویایی و ایستایی شخصیت زنان در داستان‌های آل‌احمد و دانشور
۱۲۲	۵-۹- نظام مردسالار و مبارزه برای تغییر آن
۱۲۳	۵-۱۰- مبارزه‌ی سیاسی زنان
۱۲۴	ب- شباهت‌ها و اشتراکات زنان داستان‌های آل‌احمد و دانشور
۱۲۵	۵-۱۱- تأثیرپذیری دانشور از اندیشه‌ها و نظریات آل‌احمد
۱۲۷	۵-۱۲- مصرف‌گرایی زنان غرب‌زده
۱۲۸	۵-۱۳- بیان مشکلات و مصایب زنان
۱۲۹	۵-۱۴- بازگشت به سنت

۱۳۱	نتیجه گیری
۱۳۳	منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات



۱-۱. مقدمه

ادبیات داستانی، پدیده‌ای نوظهور در زبان فارسی است که پس از دوره‌ی مشروطه و به تاسی از ادبیات اروپایی در ایران رواج می‌یابد. نخستین آثار داستانی در زبان فارسی، رمان‌های تاریخی و اجتماعی هستند که در عین حال که از داستان‌های اروپایی تأثیر پذیرفته‌اند، بازتابی از اوضاع سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایران در آن روزگاران بودند. سیر تحول ادبیات داستانی، نگارش رمان‌های نخستین و پیدایش داستان کوتاه- که با داستان یکی بود، یکی نبود محمدعلی جمال زاده آغاز می‌شود- همبسته‌ی تحولات نثر فارسی نیز هست. هم از این روست که در بررسی تحولات ادبیات داستانی، رمان و داستان کوتاه، اهمیت نثرنویسان زبده‌ی دوره‌ی مشروطه نیز آشکار می‌شود (ر.ک: عابدینی، ۱۳۶۹: ۵۰/۱-۵۷). همه‌ی این تغییر و تحولات، زمینه‌هایی را فراهم آورد تا داستان‌نویسان بنامی چون محمدعلی جمال زاده، صادق هدایت، صادق چوبک، بزرگ علوی، جلال آل-احمد، ابراهیم گلستان و سیمین دانشور در عرصه‌ی ادبیات داستانی مجال ظهور و بروز یابند. هر یک از این نویسندگان، به عنوان پیشگامان ادبیات داستانی در ایران، افق‌های تازه‌ای را به روی داستان فارسی گشودند و آثار متعددی از خود به جای نهادند که نام آن‌ها را در ردیف تثبیت شدگان تاریخ ادبیات می‌نشانند.

جلال آل‌احمد، در دوره‌ی معاصر از چند جهت حایز اهمیت است. از یک سو در تاریخ روشنفکری ایران، چهره‌ای برجسته و صاحب نظر به شمار می‌رود و از سوی دیگر، به عنوان یکی از پیشگامان ادبیات داستانی، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری و استمرار نوع خاص از داستان‌نویسی ایفا می‌کند و بر نویسندگان جوان تأثیر می‌گذارد از ویژگی‌های منحصر بفرد آل احمد، نثر خاص اوست؛ نثری «تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، افراطی، خشن، صریح، صمیمی، منزله طلب و حادثه آفرین» (دانشور، به نقل از: علیرضایی، ۱۳۸۳: ۸۰). علاوه بر این آل احمد در عرصه‌ی سیاسی-اجتماعی نقش فعالی داشت و پاره‌ای از دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی او نیز در داستان‌هایش بازتاب یافته‌اند. این همه، جایگاه ویژه‌ای برای آل احمد فراهم می‌آورد که او را به عنوان یک نظریه‌پرداز، مترجم، منتقد اجتماعی، داستان نویس و... در متن تحولات ادبیات معاصر می‌نشانند.

سیمین دانشور، نخستین زنی است که به چاپ و نشر داستان در زبان فارسی اقدام کرده است. نخستین مجموعه داستان او با عنوان *آتش خاموش*، اولین مجموعه‌ی داستانی یک زن ایرانی است. او در دوره‌ای به انتشار داستان مبادرت ورزیده، که داستان‌نویسی زن در ایران امر متعارفی به شمار نمی‌رفته است (آزند، ۱۳۸۳: ۰۴). از این نظر، علاوه بر ارزش هنری آثار دانشور و جایگاه او در جریان‌شناسی ادبیات داستانی، کار او دارای اهمیت تاریخی است. از آن پس دانشور، به نوشتن داستان ادامه داد و آثار او در کنار دیگر نامداران ادبیات داستانی قرار گرفت. از این منظر باید به رمان‌های سه‌گانه‌ی او، یعنی *سوشون*، *جزیره‌ی سرگردانیو ساریان* *سرگردان* اشاره نمود که مهم‌ترین آثار او به شمار می‌روند. دانشور که دانش آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی است، همچون آل احمد، تعدادی از آثار مهم ادبی جهان را به زبان فارسی برگرداند.

دانشور، در سال ۱۳۲۹ با جلال آل احمد ازدواج نمود و تا سال ۱۳۴۸-سال وفات آل احمد- آنها فعالیت ادبی و هنری خویش را در کنار هم پی گرفتند. زندگی مشترک و هم فکری‌های دو نویسنده، طبعاً در آثار داستانی آنها نیز تأثیراتی به جای گذاشته است. تاجایی که به موضوع پژوهش مربوط باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد و به طور خاص، شخصیت و جایگاه زن در آثار دو نویسنده واکاوی می‌شود. برای این منظور ابتدا در مبحث نظری تحقیق به شخصیت، تعاریف و گونه‌های آن و انواع شخصیت در ادبیات داستانی می‌پردازیم. آثار هر نویسنده، برآیندی از زندگی او است. از این منظر، چه آثار واقع‌گرایانه و چه آثار تخیلی، مایه‌هایی از زندگی نویسنده دارند که برای فهم و درک دقیق‌تر آن، لازم است دورنمایی از زندگی نویسنده را در اختیار داشته باشیم. از این رو، فصل بعدی تحقیق به زندگی‌نامه‌ی دو نویسنده و همچنین معرفی و شناخت بیشتر آثار آنها اختصاص می‌یابد و در پایان این مبحث، شخصیت و جایگاه زن در داستان‌های دو نویسنده، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش پایانی نیز، مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های شخصیت‌های زن در داستان دو نویسنده مطرح می‌شود و ضمن آن به اختلافات و اشتراکات فکری و هنری دو نویسنده نسبت به موضوع زن و چگونگی طرح آن در آثارشان می‌پردازیم. در پایان این مبحث، با جمع‌بندی بحث، نتایج و یافته‌های تحقیق را مرور می‌کنیم.

۲-۱. بیان مسئله

با پیدایش داستان و رمان به شکل امروزی در ادبیات فارسی، توجه به قشرهای حاشیه نشین ادبیات کلاسیک بیشتر شده است. یکی از این طیف‌ها، زنان هستند که هر یک از نویسندگان از مناظر مختلف به آنها پرداخته‌اند. از سوی دیگر جامعه ایرانی در مرحله گذار از جامعه‌ای سنتی، با حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مختلف همراه بوده است. اهمیت این مشارکت زنان به حدی است که یکی از معیارهای جامعه مدرن مشارکت بالای زنان در اجتماع تعریف شده است. به تبع این حضور اجتماعی، عرصه ادبیات نیز شاهد حضور پررنگ‌تر زنان به عنوان سوژه‌های اصلی داستانی بوده است. جلال آل احمد و سیمین دانشور نیز، هر یک تصویری از زندگی، معیشت، منزلت و موقعیت زن را در خانواده و اجتماع ارائه داده‌اند. آل احمد زنان را در کانون یک خانواده سنتی با ایفای نقش مادری معرفی می‌کند.

زندگی مشترک دانشور با آل احمد، پاره‌ای از موقعیت‌های داستانی آنها را به هم نزدیک کرده است، اما طبیعی است که او زنان را از دریچه نگاه یک زن نظاره می‌کند. در داستان‌های دانشور، بیشتر با حضور فداکارانه زنان در نقش همسر و مادر مواجه هستیم که با ریزبینی‌های دقیق، موقعیت زنانه و مادرانه آنها را در خانواده پدرسالار و مردسالار نشان می‌دهد. هرچه به آثار متأخرتر او می‌رسیم، نقش اجتماعی زنان پررنگ‌تر می‌شود.

چنان که در داستان جزیره ی سرگردانی، موضوع اصلی کتاب، مسأله زن ایرانی، رنج‌ها و ناکامی‌های و در بستر اجتماعی است. (سلیمانی، نقل از: دهباشی، ۱۳۸۳: ۷۳۳)

در داستان‌های دانشور مناسبات سنتی مردم‌محورانه جامعه، به عنوان مانعی در برابر حضور فعال اجتماعی زن قد علم می‌کند و به چالش کشیده می‌شود و زنانی را می‌یابیم که در عرصه رویدادهای اجتماعی فعالند و حتی مانند هستی در جزیره سرگردانی، به فعالیت‌های چریکی کشیده می‌شوند. یا مانند زری در رمان سووشون، یک تنه زمام امور را در دست می‌گیرند. (دانشور، ۱۳۷۲: ۷۳)

داستان‌های آل‌احمد که با دیدگاهی انتقادی دردهای جامعه ما را منعکس می‌کند، پیوسته از زنان دفاع و از محرومیت‌ها و محدودیت‌های آن‌ها انتقاد می‌کند. او هم تیپ‌های مختلفی از زنان را معرفی می‌کند و هم دغدغه‌ها و موانع حضور اجتماعی آن‌ها را بازتاب می‌دهد. او غالباً از زبان شخصیت‌های داستان‌ها به تشریح جهل و بی‌سوادی رایج میان زنان و پیامدهای آن می‌پردازد. (آل‌احمد، ۱۳۷۲: ۱۰۲) و یا از خرافات شایع میان زنان می‌گوید و با به تصویر کشیدن عاقبت تلخ خرافه پرستی، بیسوادی را ریشه آن می‌داند. (آل‌احمد، ۱۳۸۱: ۳۵)

در حقیقت هر دو نویسنده به طرح مشکلات و موانع پیش روی زنان در خانواده و اجتماع می‌پردازند، اما هر یک به شیوه خود و با استفاده از شخصیت پردازی زنان و صحنه پردازی‌هایی که در عین بازنمایی جهان ذهنی آن‌ها، سبک نوشتاری شان را نیز نشان می‌دهد. در عین حال نتایج این تحقیق، تفاوت و شباهت دو نویسنده زن و مرد، به یک موضوع مشخص را نیز نشان می‌دهد.

در این پژوهش، با استخراج همه ی شخصیت‌های زن داستان‌های آل‌احمد و دانشور، به بررسی موقعیت و منزلت زن در آثار آن‌ها پرداخته می‌شود. در یک بررسی تطبیقی نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها را در مقوله مورد اشاره واکاوی نموده، دلایل این تفاوت‌ها و شباهت‌ها را با استفاده از موقعیت زنان داستان‌هایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. موقعیتی که در ویژگی‌های شخصیتی، جایگاه اجتماعی و خانوادگی و نوع سخن گفتن و زبان آن‌ها بازتاب می‌یابد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت

تا جایی که نگارنده جستجو و تحقیق نموده است، تا کنون تحقیقی با محوریت بررسی تطبیقی جایگاه زن در داستان‌های آل‌احمد و دانشور صورت نپذیرفته است. اما بنا به اهمیت موضوع، همه منتقدان و صاحب نظرانی که درباره داستان‌های دو نویسنده، نوشته‌اند، به طور مختصر به این مقوله نیز پرداخته‌اند.

عابدینی، (۱۳۶۹) در کتاب صد سال داستان نویسی در ایران، بخش‌های مستقلی را به بررسی داستان‌های آل‌احمد و دانشور اختصاص داده است. از آن‌جا که این کتاب به همه نویسندگان و جریان‌های داستان در صد



سال اخیر می‌پردازد، فرصت و مجال پرداخت جزئی به مقولات را نمی‌یابد. نویسنده ضمن بررسی‌های کلی، به نقش زن نیز در آثار آنها توجه کرده است. عابدینی در بررسی زنان داستان‌های آل‌احمد به این نتیجه می‌رسد که: آل‌احمد که در مقابل عوارض استعمار، دفاع از سنت‌ها را پیشنهاد می‌کند، در نگاه به زن نیز پایبند سنت و نقش سنتی زن در جامعه است.

تسلیمی، (۱۳۸۳) در کتاب گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران، که به بررسی سیر تاریخی مضامین داستان‌های فارسی پرداخته، درباره داستان‌های دانشور، تنها به نگاه رئالیستی او در پرداخت مضامین اشاره می‌کند و معتقد است که نگاه او به زن در سووشون نیز از همین زاویه بوده است.

با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که رساله یا کتاب مستقلی به بررسی تطبیقی جایگاه زن در آثار دانشور و آل‌احمد اختصاص نیافته است. تحقیق حاضر اولین نوشتار در این موضوع می‌باشد. بررسی و مقایسه منزلت و جایگاه زن در آثار آل‌احمد و دانشور، از این جهت اهمیت و ضرورت دارد که دو نویسنده، تجربه زندگی مشترک با هم را دارند. در یک مقطع زمانی، به داستان نویسی پرداخته‌اند و طبعاً این شاخصه‌ها به نزدیکی نگاه دو نویسنده کمک کرده است.

از طرف دیگر با دو نویسنده صاحب سبک مواجه هستیم که هر یک از نگاه و زبان خاص خود به طرح دغدغه‌ها و مسائل زنان پرداخته‌اند. بسته به نوع دیدگاه و جهان بینی‌شان، و نیز تفاوت نگاه مردانه و زنانه، رویکرد متفاوت و گاه متضادی به این مقوله داشته‌اند. آل‌احمد با نگاهی مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌مداری، با دیدی مذهبی به زن و خانواده می‌نگرد و دانشور ضمن پایبندی به این اصول، احساسات و عواطف زنانه و مادرانه را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و در میان زنان طبقات فرودست ترین و مرفه، به نوعی تقابل زندگی زن در این دو سطح را هم نشان می‌دهد. بررسی و مقایسه این دو دیدگاه، همچنان که می‌تواند مشابهت‌های شخصیتی زنان داستان‌هایشان را نشان دهد، تفاوت دو دیدگاه مردانه و زنانه را در پرداخت به پدیده‌ها نیز ارائه می‌کند. ضرورت دیگر پژوهش از آن جا ناشی می‌شود که این پژوهش چهره و منزلت زن در آثار این دو نویسنده معاصر را واکاوی میکند و یافته‌های آن می‌تواند بخشی از سیمای زن در داستان معاصر را در یک مقطع تاریخی مشخص بازتاب دهد. ضمن اینکه تفاوت و شباهت دو دیدگاه مردانه و زنانه به شخصیت‌های زنانه در داستان معاصر را نشان می‌دهد.

به علت اینکه افراد کمی درباره داستان‌های دو نویسنده نوشته‌اند، منبع مورد نیاز به حد کافی برای ضرورت تحقیق نداشته‌ام.

**۴-۱. اهداف تحقیق**

- نوع نگاه آل احمد و دانشور به زن چگونه است؟
- آیا زنان داستان‌های آل احمد و دانشور اشتراکاتی و اختلافاتی با هم دارند؟
- جهان‌بینی و دیدگاه‌های دو نویسنده، چه تاثیری بر موقعیت و منزلت زن در آثارشان دارد؟

۵-۱. فرضیه‌های تحقیق

- ۱- شخصیت زن در داستان‌های دانشور و آل احمد جایگاه ویژه‌ای دارد، اگرچه این جایگاه در آثار دو نویسنده، از منظر متفاوت و گاه متضاد تبیین می‌شود.
- ۲- شخصیت زن در داستان‌های آل احمد و دانشور، اشتراکات و افتراق بسیاری دارد.
- ۳- تفاوت جهان‌بینی و دیدگاه فکری آل احمد و دانشور، در شخصیت‌پردازی و چگونگی حضور زنان و موقعیت و منزلت آن‌ها در داستان‌هایشان تأثیرگذار بوده است.

۶-۱. چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است:

- شناخت بیشتر نقش زن در خانواده و اجتماع، به ویژه در داستان‌های واقع‌گرای آل احمد و دانشور.
- بررسی جایگاه زن در ادبیات داستانی در مقطع زمانی مشخص.

۷-۱. استفاده‌کنندگان از نتیجه پایان‌نامه

- پژوهشگران ادبیات داستانی.
- علاقه‌مندان به مطالعات و پژوهش‌های زنان
- دانشجویان علوم انسانی، به ویژه دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

۸-۱. روش انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات:

این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز بر پایه روش تحلیلی - مقایسه‌ای می‌باشد که با بهره‌مندی از منابع مربوط به موضوع در مباحث نظری ادبیات تطبیقی، شخصیت و شخصیت-پردازی و در حوزه بررسی زندگی و داستان دو نویسنده، به مطالعه و تجزیه و تحلیل هر یک از منابع پرداخته و



درباره جزئیات موضوع مطالبی فیش برداری شده که با توجه به فصل بندی موضوع پایان نامه مطالب مذکور دسته بندی و به ترتیب جایگاه، موضوعی، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

-گردآوری منابع مکتوب

-فیش برداری و تقسیم موضوعات مورد مطالعه

-تجزیه و تحلیل داده ها و فصل بندی

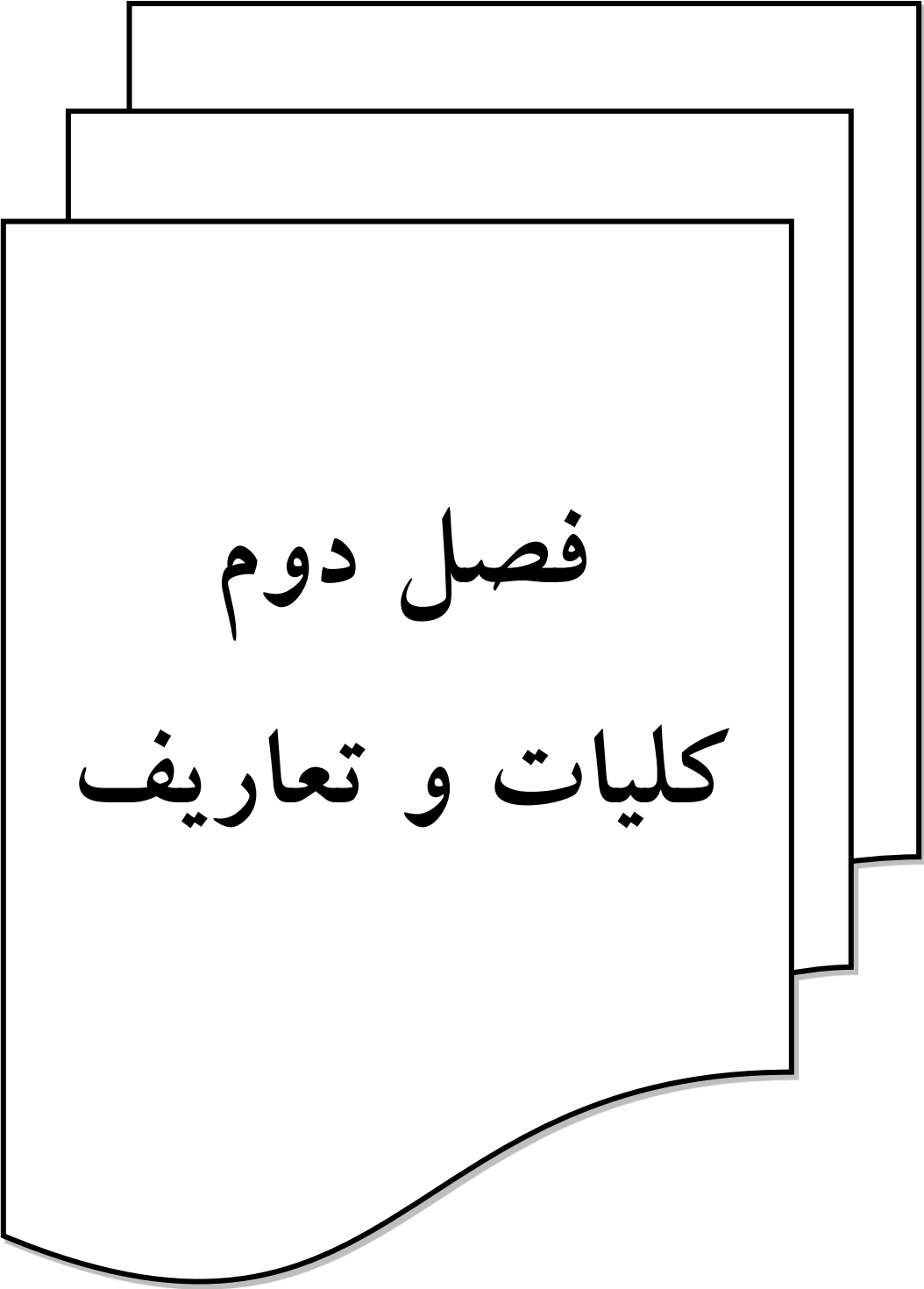
-جمع بندی نهایی و ارائه گزارش پایانی

۹-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

با استفاده از منابع مورد نیاز تحقیق، تمامی اطلاعات مورد نیاز تحقیق، از راه فیش برداری گردآوری خواهد شد. ابتدا به شناسایی منابع تحقیق پرداخته، با توجه به فصل بندی تحقیق به دسته بندی و مطالعه منابع می-پردازیم. برای این منظور از دو دسته منابع بهره می-بریم: منابع گروه اول؛ یعنی آثار جلال آل احمد و سیمین دانشور.

منابع گروه دوم: کتابها و مقالاتی که درباره داستان معاصر و به ویژه داستانهای آل احمد و دانشور به نگارش درآمده‌اند.

کلیه داستانهای آل احمد و دانشور مورد مطالعه قرار گرفته، اطلاعات مربوط به زنان داستانها، ویژگیها و شاخصه‌های آنها و سرنوشت و جایگاه آنها از این متون فیش برداری می شود، که به ترتیب فصول در پایان نامه مورد استفاده قرار می گیرد.



فصل دوم
کلیات و تعاریف

۱-۲. تعریف شخصیت

آدم‌ها و اشخاص هر داستان پایه‌های مهم آن هستند. داستان بیشتر از هر قالب هنری دیگری با آدم‌ها و اشخاص سر و کار دارد و می‌توان گفت که داستان بدون آدم‌ها وجود خارجی نخواهد داشت، لذا انسان جزء جدایی‌ناپذیر داستان می‌باشد. زیرا داستان بدون شخصیت ظهور و بروز نمی‌کند حتی در داستان‌های کلیه و دمنه و یا مرزبان نامه و داستان‌های دیگری که از زبان حیوانات نوشته شده‌اند شیر و خرگوش و گوسفند و دیگر حیوانات نقش یک انسان را بازی می‌کنند و نماینده‌ی نوعی انسان و نوعی تفکر و ایده هستند که بعضاً نقش راوی را هم دارند و همگی شخصیت داستان یا قصه محسوب می‌شوند. این شخصیت‌ها اگرچه غیر واقعی به نظر می‌رسند، نمادی از افراد جامعه هستند. «عامل شخصیت محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد. کلیه‌ی عوامل دیگر، عینیت، کمال، معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از عامل شخصیت کسب می‌کنند. مگر می‌توان قصه‌ای یافت که در آن دگرگون شدن شخصیت موجبات دگرگونی حوادث، جدال‌ها، طرح و توطئه و سایر عوامل را فراهم نیاورد؟ از همان آغاز، بشر از طریق شخصیت، غرایز و اندیشه‌ها و عواطف خود را آگاهانه و ناآگاهانه عینیت بخشیده است» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۲-۲۴۳). شخصیت‌های داستانی همان افراد جامعه هستند که به طریقی دیگر وارد جهان داستان شده‌اند و در روایت‌های داستانی زندگی جدیدی یافته‌اند. پس شخصیت‌های داستانی بر اساس خصلت و عادات رفتاری و از ترکیب نگاه و صحبت‌ها و اعمال انسان‌های واقعی خلق می‌شوند.

در کتاب *عناصر داستان* در تعریف و تبیین شخصیت و شخصیت‌پردازی آمده است: «اشخاص ساخته شده- ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایشنامه و... ظاهر می‌شوند شخصیت می‌نامند. شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه‌ی داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند شخصیت-پردازی می‌خوانند» (میرصادقی، ۱۳۶۷: ۸۳-۸۴).

شخصیت کسی است که نویسنده با خلاقیت، قدرت تخیل و تبحری که دارد آن‌ها را خلق می‌کند و به عبارتی دیگر، شخصیت داستانی، چه واقعی جلوه کند و چه با معیارهای واقعی همخوانی نداشته باشد، ساخته‌ی ذهن نویسنده است. ابراهیم یونسی معتقد است: «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده‌ی تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است تقریباً تمام داستان‌ها در گسترش طرح و تم خود از شخصیت‌های داستانی یاری می‌جویند که معمولاً انسان‌اند» (یونسی، ۱۳۶۹: ۲۵).